

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۹۷، صص ۹۷-۱۱۰

بررسی خطاهای واژگانی دوزبانه‌های کردزبان ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی معیار^۱

اکرم کرانی^۲

دکترای زبان‌شناسی همگانی، گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

خسرو غلامعلی‌زاده^۳

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه رازی

عامر قیطوری^۴

دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه رازی

چکیده

خطاهای انحرافات رایج و نظام‌مندی هستند که در نتیجه تخطی از قواعد زبان دوم به وجود آمده‌اند. در پژوهش حاضر خطاهای واژگانی براساس دسته‌بندی دالی، برت و کراشن (۱۹۸۲) به سه دسته تقسیم شده‌اند: خطاهای بین زبانی، خطاهای درون‌زبانی و خطاهای مبهم. هدف این نوشتار، بررسی سرچشمه و توزیع خطاهای واژگانی در گفتار کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه است. نمونه آماری این پژوهش که از نظر رویکرد، جزء پژوهش‌های کمی - کیفی است، هفده دختر و پسر دوزبانه ساکن شهر کرمانشاه را شامل می‌شود که به‌طور مساوی از هر دو جنس به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا خطاها طبقه‌بندی شدند و سپس بسامد وقوع آن‌ها در قالب جدول و نمودار نشان داده شد. نتایج نشان داد که خطاهای مشاهده‌شده دارای منشأ درون‌زبانی و بین زبانی هستند. بیشترین خطاهای مشاهده‌شده نیز به ترتیب متعلق به خطاهای بین زبانی و درون‌زبانی بود. نتایج این پژوهش در کنار ارائه توصیفی از خطاهای واژگانی کردزبانان کلهر، بر ضرورت اصلاح شیوه‌های تدریس، طراحی آزمون‌ها و منابع درسی و همچنین تهیه کتاب‌های دوزبانه تأکید می‌کند تا گامی در جهت کاهش مشکلات کردزبانان به هنگام تعامل با فارسی‌زبانان برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: خطا، خطاهای بین زبانی، خطاهای درون‌زبانی، زبان فارسی، کردی کلهری.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲

korani222@gmail.com

gholamalizade@razi.ac.ir

amer@razi.ac.ir

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۴- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

بسیاری از افرادی که در ایران زندگی می‌کنند، دوزبانه هستند. این افراد به هنگام استفاده از زبان فارسی با مشکلاتی مواجه می‌شوند که در قالب خطاهای پدیدار می‌گردند. خطاها بخش جدانشدنی از گفتار دوزبانه‌هایی هستند که به زبان دوم تسلط کامل ندارند و در سطوح مختلف زبان از جمله سطح آوایی، نحوی و واژگانی رخ می‌دهند. چنانچه بتوان خطاها را براساس رویکرد مناسبی مورد بررسی قرار داد، می‌توان به نتایجی دست یافت که در امر آموزش و اصلاح روش‌های تدریس، سازمان‌دهی مواد آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، طرح آزمون‌ها و مرتفع‌نمودن مشکلات ناشی از مراودات روزمره دوزبانه‌ها با افرادی که به زبان فارسی صحبت می‌کنند، بسیار کارآمد باشد.

جامعه آماری این پژوهش که از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر شیوه اجرا توصیفی و از نظر نوع داده‌ها، کمی / کیفی است، دانش‌آموزان دو زبانه مقطع متوسطه اول ساکن شهر کرمانشاه را شامل می‌شود. رده سنی این افراد، سیزده تا پانزده سال و نمونه آماری نیز شامل ۱۷۰ دانش‌آموز پسر و دختر است که ۸۵ نفر آن‌ها دختر و ۸۵ نفرشان پسر هستند. این افراد، به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. به این صورت که نگارندگان با توجه به رضایت و اعلام مشارکت افراد، از بین کسانی که زبان مادری‌شان کردی کلهری و زبان دومشان فارسی بود، نمونه مورد نظر را انتخاب کرد. لازم است ذکر شود که افراد نمونه، زبان فارسی را هنگام ورود به مدرسه به‌عنوان زبان دوم آموخته بودند. برای گردآوری داده‌ها، جلسات مصاحبه‌ای با حضور افراد مورد مصاحبه برگزار شد و طی آن از آزمودنی‌ها درخواست شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف کنند. تعداد مصاحبه‌شوندگان در هر جلسه چهار تا پنج نفر بود. دانش‌آموزان به‌لحاظ زمانی هیچ‌گونه محدودیتی نداشتند و به‌طور میانگین مصاحبه هر نفر بین چهار تا پنج دقیقه طول کشید. در هر جلسه، پاسخ افراد به پرسش‌های مصاحبه ضبط و گردآوری شد؛ سپس خطاهای واژگانی طبقه‌بندی و به‌لحاظ کیفی و کمی بررسی شدند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که بنیاد اصلی این مقاله بر این پرسش‌ها استوار است که سرچشمه خطاهای واژگانی گفتار کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه از چه نوعی است و توزیع این خطاها در گفتار کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه چگونه است؟

پژوهش حاضر برای پاسخ به این پرسش‌ها، از الگوی دالی، برت و کراشن^۶ (۱۹۸۲) بهره می‌برد.

5. error

6. H. Dualay, M. Burt & S. Krashen

این الگو، چارچوبی ارائه می‌دهد تا به وسیله آن بتوان خطاهای افراد دوزبانه را بررسی کرد. بسیاری از پژوهش‌گران خطاهای واژگانی را در میان دوزبانه‌هایی که به زبان‌هایی همچون فارسی و عربی، فرانسه و انگلیسی صحبت می‌کنند، مورد بررسی قرار داده‌اند. جمعی از پژوهش‌گران نیز به بررسی خطاهای واژگانی زبان فارسی و گویش‌های داخل کشورمان همچون کردی مهابادی و آملی پرداخته‌اند. در این میان، جای پژوهشی که خطاهای واژگانی را در گفتار دوزبانه‌های کلهرزبان مورد بررسی قرار دهد خالی بود. از این رو نگارندگان این مقاله بر آن شدند تا خطاهای واژگانی را در گفتار این افراد مورد بررسی قرار دهند.

۲- بررسی خطاها

خطا قسمتی از گفتار یا نوشتار زبان‌آموز است که طی آن از استانداردهای زبانی تخطی می‌شود. زبان‌شناسان مختلف دسته‌بندی‌های گوناگونی را از خطاها و منشأ آن‌ها ارائه داده‌اند. دالی و دیگران (۱۹۸۲) خطاها را از نظر منشأ به سه دسته تقسیم می‌کنند: خطاهای بین‌زبانی^۷، خطاهای درون‌زبانی^۸ و خطاهای مبهم^۹. خطاهای بین‌زبانی، از انتقال ساختارها و واژه‌های زبان اول زبان‌آموزان به زبان دومشان ناشی می‌شود. عمده‌ترین منبع خطاهای زبان‌آموزان به هنگام یادگیری زبان دوم، زبان اول آن‌هاست؛ زیرا زبان‌آموزان تمایل دارند که ساختارها و قواعد زبان مادری‌شان را به زبان دومشان منتقل کنند. انتقال زبانی عبارت است از استفاده از دانش و تجربیات زبانی گذشته در موقعیت‌های جدید. این انتقال به دو صورت مشاهده می‌شود: انتقال مثبت و انتقال منفی. انتقال مثبت، شامل شباهت‌های بین دو زبان است که به یادگیری زبان دوم کمک می‌کند. انتقال منفی، از تفاوت‌های بین دو زبان سرچشمه می‌گیرد و به‌مثابه موانعی برای یادگیری تلقی می‌شوند؛ زیرا عادت‌های جدید که با رفتارهای جدید در تناقض هستند به زبان دوم منتقل می‌شوند. انتقال منفی یا تداخل زبانی^{۱۰} ممکن است به چند دلیل اتفاق بیفتد. تماس زبانی یکی از آن دلایل است و عامل مؤثری در بروز پدیده‌هایی همچون قرض‌گیری و رمزگردانی محسوب می‌شود. هنگامی که دو زبان در تماس با یکدیگر قرار می‌گیرند از یکدیگر قرض‌گیری می‌کنند. رایج‌ترین صورت قرض‌گیری، قرض‌گیری واژگانی است. در رمزگردانی، فرد دوزبانه به هنگام استفاده از یک زبان به زبان دیگر تغییر رمز می‌دهد و آن‌ها را درهم

7. intralingual errors

8. interlingual errors

9. ambiguous errors

10. language interference

می‌آمیزد. وی حتی ممکن است در طول یک جمله چندین بار تغییر رمز دهد (دالی^{۱۱} و دیگران، ۱۹۸۲: ۹۹-۱۱۴). مدرسی (۱۳۶۸: ۴۱) در رابطه با تداخل‌های زبانی می‌گوید: «این پدیده که در زبان فارسی به توارد و تزام نیز تعبیر شده است، به‌طور کلی کاربرد ناآگاهانه الگوها یا عناصر یک زبان است در زبان دیگر». کاظمی (۱۳۷۳) نیز درباره تداخل زبانی چنین می‌گوید: «تداخل میان دو زبان، عاملی فردی است و تنها در موارد نادری که فرد دوزبانه در هر دو زبان به یک دانش کامل و مساوی رسیده باشد از بین می‌رود».

دالی و دیگران (۱۹۸۲: ۱۶۵) خطاهای درون‌زبانی که در درون خود زبان مقصد رخ می‌دهند را یکی دیگر از منابع خطا معرفی می‌کنند. این خطاها حاصل یادگیری ناقص یا اشتباه زبان مقصد هستند. این خطاها شبیه به خطاهای کودکانی است که در حال یادگیری زبان اولشان هستند؛ برای مثال، یک اسپانیولی‌زبان هنگام یادگیری زبان انگلیسی، جمله زیر را تولید می‌کند:

Dog eat it.

حذف حرف تعریف و عدم استفاده از فعل در زمان گذشته، مواردی هستند که در گفتار کودکان انگلیسی‌زبان به هنگام یادگیری زبان انگلیسی به‌مثابه زبان مادری‌شان مشاهده می‌شوند. این خطاها ناشی از تداخل زبانی نیستند؛ زیرا کودکی که در حال فراگیری زبان اولش است، از قبل با زبانی آشنایی نداشته که قواعد و واژگان آن را به زبان جدید منتقل کند. در رابطه با زبان‌آموزان زبان دوم نیز چنین فرض می‌شود که نه زبان اول، بلکه یک مکانیسم ذهنی که باعث پیشرفت یادگیری زبان دوم می‌شود، این نقش را ایفا می‌کند. الیس^{۱۲} (۱۹۹۴: ۵۳) به نقل از ریچاردز^{۱۳} (۱۹۷۱) چنین بیان می‌دارد که خطاهای درون‌زبانی، ویژگی‌های یادگیری قواعد زبان را نشان می‌دهد. از این ویژگی‌ها می‌توان به مواردی همچون تعمیم نادرست، به‌کارگیری ناقص قواعد و عدم یادگیری شرایطی که با آن شرایط قواعد به‌کاربرده می‌شوند، اشاره کرد. براون^{۱۴} (۲۰۰۷: ۲۶۴) بر این عقیده است که هنگامی که یادگیرندگان، فراگیری قسمت‌هایی از نظام جدید را آغاز می‌کنند، انتقال زبانی بیشتر صورت می‌گیرد و این انتقال، همان تعمیم^{۱۵} در درون زبان مقصد است.

سومین دسته از خطاهایی که دالی و دیگران (۱۹۸۲: ۱۷۲) بدان‌ها اشاره می‌کنند، خطاهای مبهم هستند

-
11. H. Dually
 12. R. Ellis
 13. J. Richards
 14. H. D. Brown
 15. generalization

که می‌توان آن‌ها را هم در زمره خطاهای بین‌زبانی و هم در گروه خطاهای درون‌زبانی قرار داد. این خطاها، افزون بر آنکه می‌توانند حاصل انتقال ساخت‌ها و واژگان زبان اول زبان‌آموز به زبان دومش باشند، می‌توانند شبیه خطاهایی تلقی شوند که کودکان به هنگام یادگیری زبان مادری‌شان با آن‌ها مواجه می‌شوند؛ برای مثال، یک فرد اسپانیولی‌زبان هنگام یادگیری زبان انگلیسی، جمله زیر را تولید می‌کند:

I have no car.

جملات منفی در زبان اسپانیولی به همان ترتیبی که در جمله ذکر شده مشاهده می‌گردد، تولید می‌شوند. در نتیجه این جمله می‌تواند نشان‌دهنده انتقال صورت منفی زبان مادری به زبان دوم باشد، از طرف دیگر، یک کودک اسپانیایی نیز هنگام یادگیری نفی در زبان اسپانیولی، جمله بالا را به همان شکل تولید می‌کند. پس این خطا، خطایی مبهم است. بدین ترتیب اگر خطاهای یادگیری زبان دوم به دو دسته درون‌زبانی و بین‌زبانی تقسیم شود، خطاهای مبهم در جایگاهی بین آن دو قرار می‌گیرند. فرهادی (۲۰۰۰: ۳۳) نیز بر این عقیده است که خطاهای مبهم را می‌توان هم ناشی از تداخل زبانی دانست و هم آن را به فرایند یادگیری زبان دوم نسبت داد.

پژوهش‌های مختلفی به بررسی خطاهای افراد دوزبانه پرداخته‌اند. این خطاها با توجه به منشأ آن‌ها به دسته‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. در بیشتر این تحقیقات، خطاهای بین‌زبانی نسبت به سایر خطاها درصد بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. کامجو (۱۳۹۰) در بررسی خطاهای واژگانی آلمی‌زبانان، مشاهده کرد که خطاهای ناشی از تداخل بین زبان‌ها، بخش عمده‌ای از خطاهای این افراد را تشکیل می‌دهند. پس از خطاهای واژگانی ناشی از انتقال یادگیری، خطاهای واژگانی با منشأ درون‌زبانی و خطاهای واژگانی ناشی از راهبردهای ارتباطی، به ترتیب در جایگاه‌های دوم، سوم و چهارم فراوانی قرار گرفتند. غلامعلی‌زاده و دیگران (۱۳۹۷) نیز هنگام بررسی تداخل‌های نحوی کردزبانان کلهر، بر اساس طبقه‌بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها، خطاهای بین‌زبانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. از میان انواع خطاهای بین‌زبانی مشاهده‌شده، استفاده از حروف اضافه، بیشترین و کاربرد ضمایر نامناسب، کمترین میزان تداخل‌های زبانی را به خود اختصاص داده‌اند.

طاهرزاده و دیگران (۱۳۹۴) براساس چارچوب جیمز، خطاهای واژگانی فارسی‌آموزان عرب‌زبان یمنی را به دو دسته درون‌زبانی و بین‌زبانی تقسیم کرده‌اند و مشاهده نموده‌اند که در حوزه خطاهای درون‌زبانی، خطاهای معنایی در روابط معنایی واژگان و خطاهای باهم‌آیی به ترتیب بیشترین بسامد را دارند. در بین خطاهای بین‌زبانی نیز، خطای ترجمه قرضی و خطای قرض‌گیری به ترتیب دارای

بیشترین بسامد هستند. آرزو^{۱۶} (۲۰۱۳) تداخل نحوی، واژگانی و آوایی دانشجویان عرب‌زبان سوریه را به هنگام یادگیری زبان انگلیسی مورد مطالعه قرار داده است. خطاهای مشاهده‌شده عبارت‌اند از: خطاهای ناشی از ترجمه، باهم‌آیی نادرست، هم‌معنایی، ادغام اصطلاحات دوتایی، قرض‌گیری و رمزگردانی. وی نیز در پژوهش خود درصد بالایی از تداخل‌های زبانی را مشاهده کرد. در پژوهش علوی مقدم و خیرآبادی (۱۳۹۱) خطاهای واژگانی ترک‌زبانان به هنگام استفاده از زبان فارسی، شامل به‌کارگیری نادرست واژگان و تکرار عبارت‌ها یا واژه‌های هم‌معنا است. معرفت و احمدیان (۱۳۸۴) با در نظر گرفتن خطاهای واژگانی فارسی‌آموز کردزبانان گویش مهاباد، مشاهده کردند که بیشتر خطاها، ناشی از تداخل زبانی هستند. به این ترتیب که خطاهای ناشی از کمک‌گرفتن از زبان اول، اضافه، استفاده از زبان دوم و حذف به‌ترتیب بیشترین بسامد را به خود اختصاص دادند.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی، از نظر شیوه اجرا، توصیفی و از نظر نوع داده‌ها، کمی - کیفی است. جامعه آماری تحقیق، دانش‌آموزان دوزبانه مقطع متوسطه اول ساکن شهر کرمانشاه است. رده سنی این افراد، سیزده تا پانزده سال است. نمونه آماری این پژوهش که به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند، شامل ۱۷۰ دانش‌آموز بود که به تعداد مساوی، از بین دانش‌آموزان دختر و پسر انتخاب شدند. نگارندگان از میان افرادی که زبان مادری‌شان کردی کلهری و زبان دومشان فارسی بود، به‌طور داوطلبانه نمونه مورد نظر را انتخاب کردند. ابتدا خطاها به‌صورت کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. به این صورت که جمله تولیدشده توسط فرد دوزبانه به زبان فارسی ذکر گردید و سپس معادل آن جمله در فارسی معیار آورده شد. در بخش کمی نیز، بسامد و فراوانی‌های هرکدام از خطاها در قالب جدول و نمودار ارائه شد.

۴- یافته‌های پژوهش

در این قسمت، ابتدا خطاهای واژگانی به‌صورت کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس نتایج تحلیل کمی در قالب جدول و نمودار نشان داده می‌شود. در تحلیل کیفی خطاها، ابتدا خطاهای بین‌زبانی که شامل خطاهای ناشی از کاربرد واژه‌های زبان اول و گرتنه‌برداری^{۱۷} است و سپس خطاهای درون‌زبانی که شامل کاربرد واژه‌های دارای روابط معنایی، حذف^{۱۸} واژه، درج^{۱۹} واژه اضافه، هم‌نشینی واژه‌ها،

16. A. Azzouz

17. calque

18. omission

19. insertion

تکرار^{۲۰} یک واژه در جمله، به‌کارگیری نادرست واژه‌ها، استفاده از توضیح یک واژه به‌جای استفاده از خود واژه، تکرار واژه‌های هم‌معنی، تعمیم افراطی^{۲۱}، قیاس غلط^{۲۲}، کاربرد نابه‌جای مقولات و تصحیح افراطی^{۲۳} است، به‌ترتیب شرح داده می‌شود. در این پژوهش، دسته‌بندی خطاها به دو دسته کلی بین‌زبانی و درون‌زبانی، برگرفته از الگوی دالی، برت و کراشن (۱۹۸۲) و طبقه‌بندی‌های ریزتر، حاصل تحقیق نگارندگان است. از هر دسته از خطاها نیز، یک نمونه مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که در سطر اول جمله حاوی خطا و در سطر دوم معادل فارسی آن بیان می‌شود.

۴-۱- خطاهای بین‌زبانی

این خطاها شامل خطای ناشی از کاربرد واژه‌های زبان اول و خطای ناشی از گرت‌برداری است.

۴-۱-۱- خطای ناشی از کاربرد واژه‌های زبان اول

گاهی زبان‌آموز از بیان مقصود خود در زبان دوم ناتوان است. از این رو به‌منظور برطرف‌کردن این نقص، به زبان اولش رجوع می‌کند. بدین ترتیب که وی عیناً واژه‌ای را از زبان اول وارد زبان دوم می‌کند. در این پدیده که رمزگردانی نیز نامیده می‌شود، رمزی از زبان دوم، جایگزین رمزی از زبان اول می‌شود؛ مانند:

(۱) باد همه دارها را شکسته بود.

باد همه درخت‌ها را شکسته بود.

۴-۱-۲- خطای ناشی از گرت‌برداری

در خطاهای ناشی از گرت‌برداری، زبان‌آموز هریک از تکیواژه‌های یک واژه یا اصطلاح را تک‌تک به زبان دومش ترجمه می‌کند؛ برای مثال، فرد دوزبانه واژه دم‌قلاغی را به این ترتیب به فارسی ترجمه می‌کند که به‌جای دم در زبان کردی، معادل آن یعنی دهن و به‌جای قلاغ، معادل آن یعنی کلاغ را جایگزین می‌کند.

(۲) مراد گفت دهن‌قلاغی نکنید.

در زبان فارسی معادل ندارد^{۲۴}.

20. reiteration

21. hyperextension

22. false analogy

23. hypercorrection

۱۶- واژه دم‌قلاغی، در زبان کردی، به صدایی گفته می‌شود که به‌واسطه برخورد زبان با سخت‌کام ایجاد می‌گردد. معمولاً بچه‌ها به هنگام بازی این صدا را تولید می‌کنند.

۴-۲- خطاهای درون‌زبانی

این خطاها شامل خطای ناشی از کاربرد واژه‌های دارای روابط معنایی، خطای ناشی از حذف واژه، خطای ناشی از درج واژه اضافه، خطای ناشی از همنشینی واژه‌ها، خطای ناشی از تکرار یک واژه در جمله، خطای ناشی از به‌کارگیری نادرست واژه‌ها، خطای ناشی از استفاده از توضیح یک واژه به‌جای استفاده از خود واژه، خطای ناشی از تکرار واژه‌های هم‌معنا، تعمیم افراطی، قیاس غلط، کاربرد نابه‌جای مقولات و تصحیح افراطی است.

۴-۲-۱- خطای ناشی از کاربرد واژه‌های دارای روابط معنایی

در این نوع خطا، فرد دوزبانه واژه‌ای را از زبان دوم جانشین واژه‌ای دیگر در همان زبان می‌کند. علت این جایگزینی آن است که این واژه‌ها، دارای مؤلفه‌های معنایی مشترکی هستند؛ برای مثال، در جمله زیر، مؤلفه معنایی مشترک بین خوش و خوشمزه [+خوب] است:

(۳) سوپ خوشی خوردیم.

سوپ خوشمزه‌ای خوردیم.

۴-۲-۲- خطای ناشی از حذف واژه

گاهی زبان‌آموز، یکی از واژه‌های ضروری را از جمله حذف می‌کند. وی چنین می‌پندارد که ذکر آن واژه برای جمله غیرضروری است؛ مانند:

(۴) پدربزرگم و پدرم هرروز با گله به چرا \emptyset .

پدربزرگم و پدرم هرروز با گله به چرا می‌رفتند.

۴-۲-۳- خطای ناشی از درج واژه اضافه

فرد دوزبانه در مواردی برای القای منظورش به زبان دوم، واژه‌ای غیرضروری را به جمله اضافه می‌کند. آن‌ها بر این باورند که وجود این واژه، برای بیان جمله لازم و ضروری است؛ مانند:

(۵) هرچه او را قسم دادم اگرچه قبول نکرد.

هرچه او را قسم دادم \emptyset قبول نکرد.

۴-۲-۴- خطای ناشی از همنشینی واژه‌ها

در همنشینی واژه‌ها، محدودیت‌هایی حاکم بر واژه‌هایی که در همنشینی باهم قرار می‌گیرند وجود دارد.

گاهی این محدودیت‌ها نادیده گرفته می‌شوند.

۶) همه مردم نگرانی بودند که مبادا سد بترکد.

همه مردم نگران بودند که مبادا سد بترکد.

۴-۲-۵- خطای ناشی از تکرار یک واژه در جمله

گاهی فرد دوزبانه یک واژه را در جمله تکرار می‌کند. این تکرار، ضرورتی برای جمله ندارد و موجب بروز خطا می‌شود.

۷) خداوند جای حق نشسته و مطمئنم که حق من را از حق او می‌گیرد.

خداوند جای حق نشسته و مطمئنم که حق من را از \emptyset او می‌گیرد.

۴-۲-۶- خطای ناشی از به‌کارگیری نادرست واژه‌ها

در مواردی افراد دوزبانه، واژه‌ای را در زبان دوم به کار می‌برند که هرچند در زبان مقصدشان وجود دارد ولی آن واژه در آن جایگاه کاربردی ندارد.

۸) توسط ترکیه خارج شدند.

از طریق ترکیه خارج شدند.

۴-۲-۷- خطای ناشی از استفاده از توضیح یک واژه به‌جای استفاده از خود واژه

گاهی زبان‌آموز به‌جای استفاده از یک واژه، آن را توضیح می‌دهد تا منظورش را بیان کند.

۹) در خانه کُرد، کنار یک چیزی هست که با آن گندم را آرد می‌کنند، عکس گرفته بود.

در خانه کُرد، کنار دستاس، عکس گرفته بود.

۴-۲-۸- خطای ناشی از تکرار واژه‌های هم‌معنا

این نوع خطا در گفتار افراد دوزبانه ناشی از آن است که فرد دوزبانه، دو واژه یا عبارت را که مترادف هم هستند، پشت سر یکدیگر می‌آورد.

۱۰) اول مهر برایم مانتو و شلوار نو و تازه خریدند.

اول مهر برایم مانتو و شلوار نو خریدند.

۴-۲-۹- تعمیم افراطی

در تعمیم افراطی، زبان‌آموز یک قاعده را فراتر از کاربرد معمولش به کار می‌برد (براون، ۲۰۰۷: ۱۰۳)؛

برای مثال، در برخی از افعال زبان فارسی بن ماضی، از اضافه کردن «ید» به بن مضارع تولید می‌شود. زبان‌آموز هنگام یادگیری این قاعده افراط می‌کند و مواردی همچون «گردیدم» و «کاریدم» را به جای «گشتم» و «کاشتم» تولید می‌کند؛ مانند:

(۱۱) در گلدان شتل تماته کاریدیم.

در گلدان نشای گوجه‌فرنگی کاشتیم.

۴-۲-۱۰- قیاس غلط

در این نوع خطا، زبان‌آموز به‌واسطه قیاس، عنصری را که در زبان مقصد وجود دارد، به‌گونه‌ای دیگر تولید می‌کند (کشاوری، ۲۰۱۱: ۱۲۶). قیاس غلط، شبیه به تعمیم افراطی است تا جایی که می‌توان آن را زیرشاخه‌ای از تعمیم افراطی دانست؛ برای مثال، فرد دوزبانه به قیاس «زنده» و «بنده» که در آن‌ها در جایگاه پس از واکه، /d/ پس از /n/ آمده است، در واژه چمدان، پس از واکه، یک واج /n/ را قبل از /d/ اضافه می‌کند و آن را به‌صورت چمدان تلفظ می‌کند.

(۱۲) قایمش کرده بود توی چمدانش.

توی چمدانش قایمش کرده بود.

۴-۲-۱۱- کاربرد نابه‌جای مقولات

در این نوع خطا، یک مقوله در جایی به‌کار می‌رود که مناسب آن نیست برای مثال، اسم، در جایگاه صفت به‌کار برده می‌شود.

(۱۳) پدر و مادرمان نارضایتی بودند.

پدر و مادرمان ناراضی بودند.

۴-۲-۱۲- تصحیح افراطی

در تصحیح افراطی، فرد دوزبانه واژه‌ای را تولید می‌کند که در زبان مقصد آن واژه بدان صورت تولید نمی‌شود (کشاوری، ۲۰۱۱: ۱۲۷). در این نوع خطا، فرد دوزبانه سعی می‌کند به‌افراط، واژه‌ای را به‌گونه‌ای تولید کند که شبیه واژگان زبان مقصدش باشد؛ برای مثال، فرد کردزبان با در نظر گرفتن تبدیل «خانه» به «خونه» و «نان» به «نون»، قبل از خیشومی‌های /m/ و /n/ واج /d/ را به /u/ تبدیل می‌کند و بدین ترتیب «چانه» را در مثال زیر به‌صورت «چونه» بیان می‌کند.

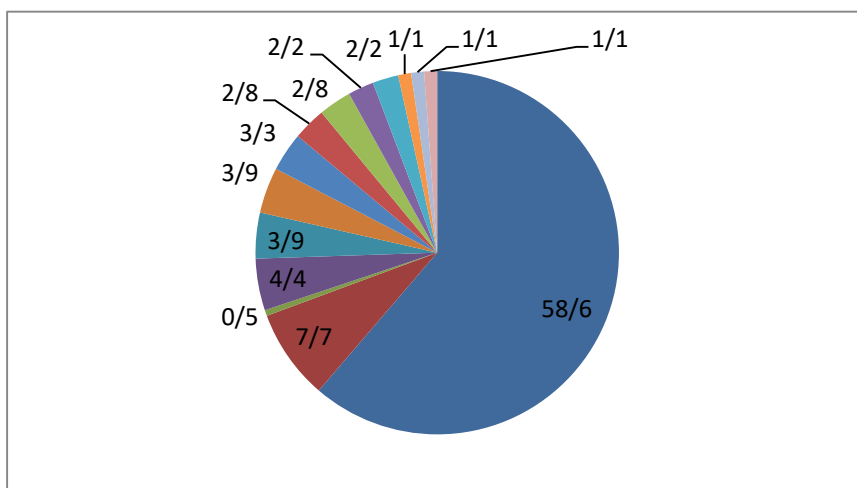
۱۴) دو تا چونه نان لواش از نانوايي خريدم.

دو تا چانه نان لواش از نانوايي خريدم.

در تحليل كمّي خطاها، ابتدا جدولی شامل فراوانی و درصد خطاها ارائه می‌شود و سپس درصدها در قالب نمودار نشان داده می‌شوند.

جدول (۱). فراوانی و درصد خطاهای واژگانی

ردیف	خطاها	فراوانی	درصد
۱	کاربرد واژه‌های زبان اول	۱۰۶	۵۸/۶
۲	کاربرد واژه‌های دارای روابط معنایی	۱۴	۷/۷
۳	به‌کارگیری نادرست واژه‌ها	۹	۰/۵
۴	بسط بیش‌ازحد مقولات	۸	۴/۴
۵	استفاده از توضیح یک واژه به‌جای استفاده از خود واژه	۷	۳/۹
۶	درج یک واژه اضافی	۷	۳/۹
۷	تکرار واژه‌های هم‌معنا	۶	۳/۳
۸	حذف واژه	۵	۲/۸
۹	تکرار یک واژه در جمله	۵	۲/۸
۱۰	تصحیح افراطی	۴	۲/۲
۱۱	همنشینی واژه‌ها	۴	۲/۲
۱۲	گرتبه‌برداری	۲	۱/۱
۱۳	تعمیم افراطی	۲	۱/۱
۱۴	قیاس غلط	۲	۱/۱



نمودار (۱). نمودار درصد خطاها

بیشترین بسامد خطاها متعلق به کاربرد واژه‌های زبان اول است. پس از آن، بیشترین فراوانی متعلق به کاربرد واژه‌های دارای روابط معنایی، به‌کارگیری نادرست واژه‌ها، کاربرد نابه‌جای مقولات، استفاده از توضیح یک واژه به‌جای استفاده از خود واژه، درج یک واژه اضافی، تکرار واژه‌های هم‌معنا، حذف واژه، تکرار یک واژه در جمله، تصحیح افراطی، همنشینی واژه‌ها، گرت‌برداری، تعمیم افراطی و قیاس غلط است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، خطاهای واژگانی کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی معیار بود. این خطاها از نظر منشأ به دو دسته تقسیم شدند: خطاهای بین‌زبانی و خطاهای درون‌زبانی. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که بسامد خطاهای بین‌زبانی بیشتر از خطاهای درون‌زبانی است. خطاهای بین‌زبانی، با فراوانی ۱۰۸ خطا، ۵۹/۷٪ خطاها را به خود اختصاص دادند که این رقم، بیش از نیمی از خطاهای مشاهده‌شده را تشکیل می‌دهد. این خطا خود شامل خطای کاربرد واژه‌های زبان اول و گرت‌برداری بود که به ترتیب ۵۸/۶٪ و ۱/۱٪ خطاهای بین‌زبانی را به خود اختصاص دادند. خطاهای درون‌زبانی به‌طور کلی، ۴۰/۳٪ خطاها را تشکیل دادند. این خطاها خود شامل زیرمجموعه‌هایی است که به ترتیب بسامد عبارت بودند از: کاربرد واژه‌های دارای روابط معنایی (۷/۷٪)، به‌کارگیری نادرست واژه‌ها (۵٪)، کاربرد نابه‌جای مقولات (۴/۴٪)، استفاده از توضیح یک واژه به‌جای استفاده از خود واژه و درج یک واژه اضافی هریک (۳/۹٪)، تکرار واژه‌های هم‌معنا (۳/۳٪)، حذف واژه و تکرار یک واژه در جمله هریک (۲/۸٪)، تصحیح افراطی و همنشینی واژه‌ها هریک (۲/۲٪)، تعمیم افراطی و قیاس غلط هریک (۱/۱٪). نکته آنکه هرچند در تقسیم‌بندی خطاها از نظر دالی، برت و کراشن (۱۹۸۲) خطاهایی با منشأ مبهم وجود دارند، ولی در این پژوهش خطای مبهمی مبنی بر اینکه هم بتوان آن را ناشی از تداخل زبانی دانست و هم آن را به فرایند یادگیری زبان دوم نسبت داد، مشاهده نشد.

نتایج این تحقیق هم‌راستا با پژوهش‌های معرفت و احمدیان (۱۳۸۴) و آروز (۲۰۱۳) است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میزان خطاهای بین‌زبانی در افراد دوزبانه بیش از خطاهای درون‌زبانی است. این مسئله از تأثیر زبان اول بر زبان دوم ناشی می‌شود. زبان‌آموز به هنگام استفاده از زبان دوم به‌منظور برقراری ارتباط با مخاطبش، در بسیاری از موارد به دانش زبان مادری‌اش رجوع می‌کند و

واژه‌هایی از زبان اوّل را به زبان دوم انتقال می‌دهد. در یادگیری زبان دوم، همواره نقش تأثیرات زبان مادری بر روی زبان مقصد مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا محسوس‌ترین خطاها در میان زبان‌آموزان ریشه در تداخل زبان مادری دارد. طبیعی است که فرد از تجربه‌های زبان اوّلش استفاده می‌کند تا فرآیند یادگیری زبان دومش را تسهیل کند. اهمیت مسئله تداخل زبانی تا بدان‌جاست که عده‌ای از پژوهش‌گران یادگیری زبان مقصد را اصولاً غلبه بر عادت‌ها و الگوهای زبان مادری می‌دانند. هنگامی که زبان مادری به شکل منفی انتقال پیدا کند، تداخل زبانی رخ می‌دهد.

بسامد بالای تداخل واژگانی بیان‌گر آن است که چون زبان‌آموز هنوز به زبان دومش تسلط نیافته است، برای القای منظور خود، به زبان مادری‌اش متوسّل می‌شود؛ برای مثال، فرد کردزبانی که هنگام تکلم به زبان فارسی، جمله «تو می‌خواهی این خانه همیشه چول باشد» را تولید می‌کند، به‌جای واژه «خالی» از معادل کردی آن یعنی «چول» استفاده کرده است. وقوع خطاهای بین زبانی که بسامد کمتری دارند، به‌علت عدم آشنایی کامل فرد دوزبانه با زبان دومش است. با توجه به اهمیت واژه‌ها در یادگیری زبان دوم پیشنهاد می‌شود این حوزه از یادگیری زبان در مرکز توجه آموزش زبان فارسی به کردزبانان قرار گیرد و نسبت به سایر حوزه‌های خطا در اولویت باشد؛ همچنین نظر به حجم بالای خطاهای بین زبانی که ناشی از تداخل زبانی هستند پیشنهاد می‌شود معلمان زبان دوم، با توجه به زبان اوّل دانش‌آموزان زبان دوم را آموزش دهند.

تحلیل خطاهای واژگانی می‌تواند توصیفی از مشکلاتی که افراد دوزبانه به هنگام استفاده از زبان فارسی با آن مواجه‌اند را ارائه دهد و با ارائه دستاوردهایش به کسانی که در حوزه آموزش فعالیت دارند گامی در جهت مرتفع کردن مشکلات افراد دوزبانه بردارد؛ برای مثال، آموزگاران که زبان فارسی را بدون توجه به زبان اوّل تدریس می‌کنند، با در نظر گرفتن این خطاها، از این مسئله آگاه می‌شوند که چگونه با خطاهای دانش‌آموزان به هنگام یادگیری زبان فارسی برخورد کنند. برنامه‌نویسان درسی نیز به کمک این نتایج می‌توانند کتاب‌های درسی را طوری طراحی نمایند که دوزبانه‌ها با مشکلات کمتری مواجه شوند و یا حتی اقدام به تدوین کتاب‌های دوزبانه کنند؛ همچنین طراحان آزمون‌ها نیز می‌توانند پرسش‌هایشان را طوری طراحی نمایند که دانش‌آکتسابی دانش‌آموزان را محک بزنند و نه مواردی را که حاصل تداخل زبان اوّل و دوم‌اند را. افزون بر این موارد، برخی از مشکلات برقراری ارتباط، ناشی از سوء تفاهم‌های بین افراد دوزبانه‌ای است که به زبان دوم با افراد ارتباط برقرار می‌کنند و دسته‌ای از این خطاها معلول تداخل بین زبان‌هاست، آگاهی از خطاها می‌تواند در کاهش این سوء تفاهم‌ها نقش

مؤثری داشته باشد.

منابع

- طاهرزاده، میترا، محمود الیاسی و عطیه کامیابی گل (۱۳۹۴). بررسی خطاهای نوشتاری فارسی آموزان عرب‌زبان سطح میانی خطاهای واژگانی بر مبنای چارچوب جیمز. در: سومین همایش ملی زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی، چشم‌انداز پژوهش‌های زبان در قرن ۲۱، (صص ۱۰۱-۱۲۱). مشهد مقدس.
- علوی مقدم، سید بهنام و معصومه خیرآبادی (۱۳۹۱). تحلیل اشکالات نوشتاری دانش‌آموزان ایرانی غیر فارسی‌زبان (مخاطبان مجلات رشد). فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۱ (۴۳)، ۵۹-۴۳.
- غلامعلی‌زاده، خسرو، عامر قیطوری و اکرم کرانی (۱۳۹۷). بررسی تداخل نحوی کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی معیار، جستارهای زبانی، ۹ (۴۴)، ۲۰۹-۲۲۶.
- کاظمی، ابراهیم (۱۳۷۳). تداخل، مشکل یادگیری زبان بیگانه. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، (۸۰)، ۳۶۴-۳۵۱.
- کامجو، محمد (۱۳۹۰). تحلیل خطاهای واژگانی دانش‌آموزان آملی زبان مقطع دبیرستان در نوشتار زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- معرفت، فهیمه و احمد احمدیان (۱۳۸۴). بررسی خطاهای زبانی در نوشتار دانش‌آموزان فارسی‌آموز کردزبان (گویش مهاباد) در سطح متوسط زبان‌آموزی. مجله زبان و ادب، ۹ (۲۶)، ۱۰-۳۷.
- Azzouz, A. (2013). *Interference of Syntactic, Lexical and Phonological Aspects from Arabic into English for Syrian University Students: A Cross- Sectional Study in the HIL at Aleppo University*. Doctoral dissertation. Aleppo University.
- Brown, H. D. (2007). *Principles of Language Learning and Teaching (4th edition)*. New York: Longman.
- Dulay, H. M. B. & S. Krashen (1982). *Language Two*. Oxford: Oxford University Press.
- Ellis, R. (1994). *The Study of Second Language Acquisition*. Oxford: Oxford University Press.
- Farhadi, M. (2000). *Studying the Problems of Arab Students in Writing in Persian: Analyzing Lexical and Syntax Errors*. MA thesis, University of Shiraz.
- Keshavarz, M. H. (2011). *Contrastive Analysis & Error Analysis*, Tehran: Rahnama.
- Richards, J. C. (1971). A non-contrastive approach to error analysis. *ELT Journal*, XXV (3), 204-219.